

چرا و چگونه تعلیم و تربیت در تحول است

خلاصه نطقی است که (مستر کیلیاتریک) پروفیسر در رشته
تعلیم و تربیت از دارالفنون کولومبیا در جمع جوانان
ایراد کرده است .

خلاصه نطق من عبارت از دو قسمت اصلی است : اول آنکه
چطور تعلیم و تربیت در تحول میباشد . دوم چرا در تغییر و تبدل است
تعلیم و تربیت در دو طریقه ممتاز تغییر میپذیرد

طریقه اول آنکه در تعلیم و تربیت امروز تمام همت صرف آن
میشود که تمام وجود يك طفل بكار واداشته شود نه فقط دهان او .
طفل تنها با دهان و احیاناً با قسمتی از دماغش صحبت نمیکند بلکه با
تمام دماغ ، با تمام قلب و حتی با يك قسمت بزرگی از بدنش
ذهن ، قلب و بدن همه متحداً با شخصیت بچه کار میکنند . وقتیکه
من بيك کلاس وارد میشوم چیزی که از اول همه جلب نظر مرا به
خود میکنند و از خویش میپرسم آنست که آیا تمام این دختران و
پسران سر کار هستند یا آنکه قسمتی از آنها مشغولند ؟ موقعی که
تمام حیثیت و بالاخره تمام توجه آنها بكار وابسته است بخود میگویم
اوضاع در مجری حقیقی است .

ما نه فقط از بچه ها ، محصلین ، و شاگردان میخواهم
که کاری انجام دهند بلکه منتظریم به بینیم آیا این اشخاص آنچه
میاموزند در زندگانی و در حیات اجتماعی خود بكار می برند یا نه ؟
قصد ما آنست که اطفال آنچه بیاموزند فوراً در رفتار و زندگانی خود
دخالت داده و از اینراه آنها کامل و مضبوط سازند .

شما اگر مدارس جهان را طبقه بندی کنید ، گاه-لترین را در درجه عالی و پست ترین را در طبقه پائین قرار دهید خواهید دانست که بهترین مدارس آنهایی هستند که شاگردانشان با علوم مکتسبه جلو رفته ، حقایق و نکات را در طرز زندگانی خود مدخلیت داده اند . بدیهی است ضعیف ترین مدارس نقطه مقابل این قسمت هستند . مدارس ضعیف و بی پایه فقط لغت و کلمه باطفال میاموزند ، شاگردان هم طوطی وار آن را تکرار میکنند و باز پس میدهند . ولی مدارس عالی هدف آمال و مطالب تدریس میکنند و در نهاد محصلین شغل آرزوی آینده را میافروزند باضافه این مدارس بشاگردان قدرتی میدهند که اخلاق صحیح در آن جایگزین شده و آمال شریفتر و زیبا تری را در زندگانی تعقیب میکنند .

این معنی خلاصه آنست که چگونه طرز تعلیم و تربیت در تحول و تبدل است . اکنون میخواهم بان رشته و موضوع بپردازم که چگونه این شعبه از علوم در تغییر است . سه دلیل برای اثبات این مدعا می-وان آورد . دلیل اول اینست که ما تحصیلات خود را در مدارس عالی با تمام میرسانیم که سابقاً خبری از آن نبود . در این عصر علم تربیت و تعلیم آنقدر جلو رفته و ترقی کرده که اشخاصی که در سایر رشته-ها کار میکنند از آن بی اطلاع مانده اند .

من مایلیم شاهد خود را از مؤسسه ای که بان مربوط هستیم بیاورم و آن دارالمعلمین دارالفنون کلوه بیا است . این مدرسه معلمین برای شاگردان تهیه نمیکند بلکه معلم برای معلمین ، مقتشین مدارس ، مدیران مدارس ، رؤساء کالج ها و حتی استادان ماهر بار میاورد .

درمیان جهتی که برای این تحول در دست میباشد این است که

رشته جدیدی در طبقه علم معرفت النفس تعلیم و تربیت ایجاد شده . در تحت این تحول جدید سه ماده هست . اولین آنکه طفل چیزی نمیاموزد مگر آنکه آنچه تحصیل می کند بکار اندازد . این مسئله مناسبت نزدیکی با ایجاد آمال و مطلوب زندگانی دارد . شما بایستی عقاید مختلفی داشته باشید ، شما باید حس ارتقاء را در خود بیافرینید اگر آنها را در اخلاق خودتان وادارید . طرز تعلیم و کسب آن کافی نیست بلکه طریق استعمال آن مهم است . ازاین جهت مدارس جدیده بهتر و بیشتر در توسعه و روشنی ذهن ، دماغ شاگردان کوشش و تقلا میکنند . خوبست يك نمونه در این مورد بشما بدهم . درشهر بستان در سال ۱۸۴۵ میلادی مدرسه ای با ۴۰۰ نفر شاگرد وجود داشت که روبهمرفته از این عده شاگردانی که در روز بواسطه خطا- کاری تنبیه میشدند به شصت وپنج بالغ میشد . در سال ۱۹۲۶ میلادی مدرسه متوسطه ای با چهار هزار شاگرد بازدید کردم . شاگردان بدون جنجال بلکه با نظم و ترتیب در آمد و شد بودند و همانطوری که الان همه ما در این سالون بدون رئیس نشسته و بعد از ختم مجلس هم بدون سر پرستی متفرق میشویم آنها هم در تحت نظر کسی نبودند از رئیس مدرسه پرسیدم چگونه موفق باین ترتیب و تنسیق شده است ، گفت : انجمنی در مدرسه بود که مطالب را بشاگردان گفت و حقایق را بمیان نهاد و درباره نظم مدرسه تفصیلاتی داد تا آنکه شاگردان تکلیف خودرا دانسته حالا بجای بی نظمی اصول اطاعت و فرمانبرداری مستقر و حکمفرماست . این مدرسه جدید بشاگردان اصول آزادی و سیادت اراده شخصی را باین طریق میاموزد که چگونه ازحیات ودوره مدرسه ای اخلاق و سجایای خودرا برای حیات آتی خودتشکیل میدهند

بدواً گفتم که طریقه علم النفس جدید در رشته تعلیم و تربیت سه صورت دارد . اول : ما باید آنچه میاموزیم و تحصیل میکنیم بکار بریم . دوم : آنچه را که کامل یافتیم خودمان را بان واگذاریم . سوم : شاگرد مطلبی را در يك فرصت و موقع یاد نمیگیرد . اگر شاگرد به حفظ يك شعر مشغول شود ، در همان حالت يك وضع و جنبه ای نسبت بان در خود ایجاد میکند یعنی آنرا یا دوست میدارد یا از آن نفرت میکند . این شعر در نظرش قیمتی حاصل میکند یا بی درجه میشود این وضع خواه خوب یا نا مقبول دائم در تشکیل و تزیاید است . وقتیکه این ترکیب را که امروز ، فردا ، يك هفته بعد و یا ماه دوم درست میشود سر هم جمع بزنید ترکیب وضع يك پسر درست و حسابی را حاصل میکنید .

ولی مدارس ما با این وضع که کار می کنند مثل اینست که هیچیک از اینها در نظرشان وقتی ندارد ، مدارس ما تنها نباید اهتمام در حفظ کردن اشعار کنند و نباید معیار هوش یا کندی طفل را از روی حفظ کردن شعر بگیرند بلکه باید تمام این ترکیباترا جزاً و کلاً در نظر بگیرند .

حالا بهم ترین نقطه وجهتی که دلیل بر تبدیل و تحول تعلیم و تربیت است میرسیم یعنی تمدن چنان در تطور و تبدیل است که سابقه ندارد . ما در قرن و زمانی زندگانی میکنیم که بهتر و بیشتر ازدوره پدران ویا اجدادمان تکامل یافته و پیشرفت حاصل نموده است ، درك حقایق و نکات مشکلتتری در جلو ماست . در مدارس ما فرصتی برای کسب نکات بیهوده نداریم بلکه در حقیقت بایستی علل و موجبات ترقی زمان را بیابیم . مسائل جدید بسرعت هر چه تمامتر بما مواجه می-

شوند. قدرت اشخاص گذشته دخالتی در زندگانی مردم عصر حاضر ندارد صحیح یا غلط نسل حاضر از کسب چاره جوئی دوره گذشته ابا می-کند. اطفال این عصر برای هر مسئله يك چرا، حاضر دارند و اگر نتوانیم بانها جواب دهیم فوراً باین خیال میافتمند که این چرا جهت ندارد. آنها را باید اغوا نمود و تحریک کرد بجائی رساند که يك تعلیم اخلاقی در آنها وجود پیدا کند.

از این مشروحات چنین بر میاید که طریقه تعلیم مذهبی که سابقاً معمول بود از رونق خواهد افتاد و طرز نئی جایگزین آن می-شود. من در کوچه یکی از شهر های بزرگ میگشتم اتفاقاً بيك گروه دختر افتاد که یکی از آن میان بديگری میگفت من باینجا و آنجا می-روم، چنین و چنان میکنم زیرا در صورتی که برادرم آزاد است من چرا نباشم؟! شاید ما نتوانیم آنها را مدلل کنیم ولی بوجهة این وضع و حالت اولاد عصر حاضر است. حتی میشود گفت يك پله بدتر زیرا ما با يك آتیه نامعلومی مواجه هستیم. اشیاء بسرعت فوق التصوری که در تاریخ زمان گذشته بی نظیر است در حال تبدیل و تغییر است و حقیقة جهتی که باعث این افتراق زمان شده میل اختراعات و مصنوعات است عصر قیصر روم با ناپلئون آنقدر تفاوتی نداشته، هر دو برای اشاعه اخبار از رم بهپاریس یا بالعکس محتاج باسب بودند. اسب هم در این دوران تفاوتی نکرده بود. در ۱۸۰۰ میلادی هم تفاوتی دیده نمیشد اما این تاریخ را با عصر حاضر مقایسه کنید! يك خبریرا تا چند مرتبه سریعتر از آنکه ناپلئون میتوانست بفرستد ما میفرستیم؟ اگر حکمت و علم متناسب هندسی ترقی کند، اختراعات هم همینطور جلو برود، دنیا تند تر از آنکه آنها بتصور آوریم صورت دیگر خواهد

پذیرفت. از این جهت با مسائلی که فردا مواجه میشویم نمیدانیم چه بکنیم و در حیرتیم که چه خواهد شد.

زمانی معلمین مسائلی را که برای شاگردان غامض بود قبلاً نزد خود حل کرده و در موقع میدانستند که چه جواب بانها داد، اما حالا نه فقط جواب را نمیدانیم بلکه مسائل را هم درک نمیتوان نمود پس میشود گفت تعلیم و تربیت یکصورت و جنبه دیگری بخود گرفته که سابقاً اثری از آن در میان نبود. ما باید جوانان خود را طوری بار آوریم که با آینده نا معلوم مقاومت کنند. مقصود از این مسئله دو چیز است، اول آنکه آنها را با فضائل اخلاقی مانوس سازیم ثانیاً بهترین راه و کوتاه ترین جهتی که مطلوب از آن حاصل میشود بدیشان بسپاریم. مسائل هندسی ربطی بامور اجتماعی ندارند. ما باید در مدارس خودمان تحقیقات و سؤالات اجتماعی را که در آتیه جوانان بان دچار میشوند بیاموزانیم، از این جهت تعلیم و تربیت مواجه با مسئله حیات و ممات میشود. ما باید نسلی بوجود آوریم که امیدآتیه ما باشند. ما بانها نمیتوانیم آموخت که چه بایدشان کرد بلکه باید آنها را حاضر کنیم که راه و طریق خود را شخصاً انتخاب کنند. مدارس باید از تباہیات مذهبی دست بردارند. باید باطفال آموخت که برای فردا و زندگانی آتیه خود تفکر کنند و چاره جوئی نمایند. این مایه امیدواری است که این نسل بمراتب بهتر از ما در کارها داخل شده و انجامش را بهتر خواهد دانست زیرا بانوامیس عصر حاضر بیشتر مربوط است.

تعلیم و تربیت در تغییر و تبدل است از آن جهت که با تمدن متغیر مواجه است. فردا، ذهن، روح و مفکره مردم بوسیله تعلیم

و تربیت بکار خواهد افتاد پس در آخر می گویم بهترین مدارس ،
مدرسه ایست که این حقایق و نکات را بهتر و با اساس تر موجود
کند و وسائل این ترقی را ایجاد نماید .

ترجمه سید حسین حجازی

امید و کوشش

امید شکوفه است کوشش بران
کوشش زامیدزاد وزان همه چیز

کوشش مرغی امید بال و پران
نومید مشو که جان نهی برسر آن

محمد هاشم میرزا - افسر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی